■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۴۰ ■ دوشنبه ■ ۹ آبان ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۲۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۵/۰۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۶

سخن روز

پیامبراکرم(ص):
وای برمسلمانی که درهرجمعه، زمانی را برای یادگیری و پرسش از امور دینی خویش اختصاص ندهد.
بحارالانوار،ج ۱،ص ۱۷۶

جامعه اروپایی نمی‌خواهد موفقیت زنان ایرانی معلوم شود

یاسر احمدوند: حضور ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت آینده به شرایطی بستگی دارد که کشور آلمان و مسئولان برگزاری این رویداد تدارک ببینند؛ اگر رویکرد سال آینده مسئولان فرهنگی، مشابه رویکردشان در ابتدای سال‌جاری باشد که دعوت شدیم و مشتاق حضور ایرانی‌ها بودند، در این رویداد حاضر خواهیم شد؛ اما اگر رویکرد شبیه نیمه دوم سال باشد که پیشنهاد انصراف را ارائه کردند، در این نمایشگاه حاضر نخواهیم شد. رویکرد غیرفرهنگی مسئولان برگزاری نمایشگاه کتاب فرانکفورت در دوره جاری تأسف‌آور است. متأسفانه هدف، مغشوش جلوه دادن فضای داخلی ایران بود. نمی‌خواستند در یک نمایشگاه درجه فرهیختگی زنان ایرانی معلوم شود. حدود نیمی از ۱۱۱ هزار عنوان کتاب منتشر شده سال ۱۴۰۱، به قلم مؤلفان زن منتشر شده است. گمان نمی‌کنم جامعه اروپایی برای دانستن چنین ویژگی‌هایی در جامعه زنان ایرانی گوش شنوایی داشته باشد

بخشی از گفته‌های معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ایبنا

تنها با قلب است که می‌توان بدرستی دید، چیزهای مهم با چشم قابل مشاهده نیستند.

شازده کوچولو، آنتوان دو سنت اگزوپری

نـــگاره

#آرتین

هنرمندان در فضای مجازی

یادی از مظاهر مصفا به مناسبت سالروز درگذشتش و آخرین خبر از آثار تازه او، اظهار علاقه مجید انتظامی به ایران در مستند «مجال مجدد مجید»، چالش‌های اهالی سینما و تئاتر به‌دنبال ناآرامی‌های اخیر و خبری از هفته فرهنگی ایران از جمله اخبار حوزه فرهنگ و هنر در رسانه‌های رسمی است که در فضای مجازی هم بازتاب داشته است.

■ **یادروز**

مظاهر مصفا، زاده ۱۳۱۱ در تفرش استاد دانشگاه، شاعر و مصحح معاصر بود که روز چهارشنبه (۸ آبان ماه ۱۳۹۸) در ۸۷ سالگی از دنیا رفت. او سال‌های متمادی به‌عنوان استادتمام رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه به خدمت مشغول بود. مظاهر مصفا یکی از قصیده‌سرایان زبان فارسی در دوره معاصر به شمار می‌آید که تاکنون چند مجموعه شعر از این استاد ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. وحید عیدگاه‌طرقبه‌ای شاعر و مدرس دانشگاه در گفت‌وگو با ایسنا از آماده شدن قصیده‌های مظاهر مصفا با عنوان «مردی ز شهر هرگز» خبر داد و گفت احتمالاً این مجموعه تا پایان سال منتشر خواهد شد.

■ **چهره روز**

مجید انتظامی را، نه فقط برای آهنگ‌های ماندگارش، بلکه برای شخصیت شفاف و دوست‌داشتنی‌اش، می‌توان دوست داشت. او سال‌هاست که یکی از قله‌نشینان موسیقی متن فیلم در ایران است. آثارش ماندگار است و نمی‌شود کسی را در ایران یافت که اثری از او نشنیده باشد. گر چه فرزند آقای بازیگر، استاد عزت‌الله انتظامی است اما با سال‌ها تلاش و عشق ورزیدن به کارش، توانسته از زیر سایه نام بلند پدر بیرون بیاید و برای خود هنرمندی مستقل، خودساخته و اثرگذار باشد. قرار بود در هفته دفاع مقدس، مجید انتظامی با رهبری ارکستر ملی ایران، کنسرت «همراه با خاطره‌ها» را در تالار وحدت اجرا کند. اما این کنسرت در زمان تعیین شده، اجرا نشد و قرار است در وقتی دیگر برگزار شود. در این برنامه آثاری از موسیقی متن فیلم‌هایی که انتظامی ساخته است، آماده اجرا شده بود. این کنسرت، پس از ۱۰سال دوری انتظامی از صحنه موسیقی، آماده شده بود. ایرنا با انتشار مستندی کوتاه با عنوان «مجال مجدد مجید» در گفت‌وگو با نوازندگان این ارکستر درباره این کار و مجید انتظامی منتشر کرده است. انتظامی خود می‌گوید کسانی که موسیقی‌اش را دوست دارند، در زمره آنانی هستند که وطن‌شان را بسیار دوست می‌دارند. بنابراین می‌گوید که او نیز عاشق ایران است و با وجود همه مشکلات و کاستی‌ها، تحت هیچ شرایطی حاضر نیست که آن را ترک کند.

■ **سخن روز**

مسعود صالحی کارگردان «اوج طوفان» که از ۸ آبان ماه اجرای خود را در عمارت نوفل لوشاتو آغاز کرده، یادآور شد سیاست‌های غلط مدیران، باعث شده که اهالی تئاتر در این شرایط به جان هم بیفتند. او به مهر گفته است: «عده‌ای بدون هیچ دلیل منطقی با باز شدن سالن‌های تئاتر مشکل دارند. در حال حاضر بین تئاتری‌ها تفرقه افتاده و عده‌ای مخالف فعالیت تئاتری هستند در حالی که به عقیده من تئاتر خودش یک فعالیت کنش‌مند و فرهنگی است و می‌تواند مردم را دور هم جمع کند. مشخص نیست که خروجی اجرا نرفتن تئاتر قرار است چه باشد و جز اینکه این هنر را ضعیف‌تر از آنچه است، بکند چه عایدی برای ما خواهد داشت. ما باید تلاش کنیم به تئاتر جان بدهیم و اگر اعتراضی هم است می‌توان در همین تئاترها آن را بیان کرد. برای آماده‌سازی این نمایش سختی زیادی کشیدیم و در شرایط نامناسب و با وجود شلوغی و فضای ناامنی که وجود داشت به تمرین ادامه دادیم، از این‌رو امیدواریم کار بتواند مورد توجه مخاطبان قرار گیرد و به‌درستی دیده شود.»

■ **چالش روز**

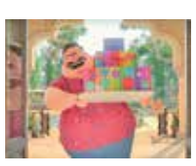

انیمیشن «لوپتو» در حالی قرار است از چهارشنبه ۱۱ آبان‌ماه در سینماهای کشور اکران شود که عباس عسگری - کارگردان کرمانی این فیلم -از چالش برای ایجاد فضای تبلیغاتی برای این انیمیشن گفته است. این کارگردان به ایسنا گفته: «با توجه به شرایط اینترنت و فیلترینگ فضاهایی که امکان معرفی فیلم را داشتند، تبلیغ برای فیلم خیلی سخت شده است.»

حمایت از گروه‌های نمایشی معلولان یک ضرورت است

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

تئاتر معلولان از جمله گونه‌های کاربردی این هنر است که در هر جامعه مطلوبی باید به آن فکر و پرداخته شود. چراکه این دسته از شهروندان به سبب مواجهه با مشکلات بیشتر نیازمند همراهی در همه حوزه‌ها، از جمله هنر هستند. همان‌طور که می‌دانیم افراد دارای معلولیت هر یک باید به طریقی تحت پوشش حمایت‌هایی قرار بگیرند و ضروری است که هم در مراکز دولتی همانند بهزیستی‌ها و سازمان‌های مرتبط و هم در مراکز خصوصی، در این زمینه فعالیت‌های چشمگیر و پیگیری‌های بسیاری انجام شود. چنانچه در این سال‌ها دیده‌ایم برای نمونه در کهریزک نمایش‌هایی با حضور معلولان حرکتی و حتی ذهنی به روی صحنه رفته و در گروه‌های خصوصی نیز موارد مختلفی بوده است. از جمله این که کارگردانی با همراهی معلولان ذهنی و کارگردان دیگری با حضور نابینایان اجرا داشته‌اند و جالب این که به نتایج خوب و در خور تأملی هم رسیده‌اند. با این حال به‌دلیل فقدان حمایت‌های چندجانبه و نبود دسترسی به تالارهای نمایشی و مواردی از این دست، نیازهای مادی و معنوی این گروه‌ها نادیده گرفته شده و آنان با وجود صرف تلاش بسیار و اجراهای درخور توجه به مرور حذف شده‌اند و حرکت‌های فرهنگی‌شان نیز تکرار نشده است. همین چند روز پیش بود که در تالار مشاهیر تئاتر شهر یک گروه از هنرمندان نابینا با کارگردانی محمدرضا عربی یک متن از محمد چرمشیر را به درستی نمایشنامه‌خوانی کردند. نمایشنامه «همه چیز می‌گذرد، تو نمی‌گذری» که در آن به‌دلیل زبان محور بودن و ایجاد یک فضای ذهنی و مالیخولیایی که دلالت بر یک هزارتوی پیچیده داشت، این گروه از بازیگران به خوبی و بنابر تمرکز از پس اجرای دقیق این متن برآمدند. آن هم متن دشواری که یک گروه عادی به راحتی از عهده‌اش برنخواهد آمد و حتی شاید بتوان گفت که کمتر گروهی با این همه ظرافت و دقت از پس خلق آن برخواهد آمد. اینکه جمعی نابینا به درستی هم متوجه روخوانی و سطح آن شده‌اند و هم در زیربنا و لایه‌های زیرین و پنهانی اثر، متوجه سیر روایی نمایشنامه شده‌اند و از طرفی مجموعه‌ای از آدم‌ها و شرایط را درک کرده‌اند، کار بزرگی است. این مصداقی است از این که شهروندان مذکور با وجود برخی معلولیت‌ها در مواردی از توانایی‌های ویژه‌تری برخوردارند؛ خصوصیت‌هایی که مخاطبان عادی را دچار شگفتی می‌کنند یعنی اینها اگر از چشم و بینایی ظاهری محرومند اما از چشم دلی برخوردارند که برای خود بیکرانه‌ای است در راستای فهم عمیق‌تر انسان و هستی...

در ضمن می‌دانیم که محمدرضا عربی تجربه سال‌ها کار با معلولان و بویژه نابینایان را دارد و کارهای موفقی را به روی صحنه آورده که اتفاقاً اجراهای او با معلولان بسیار ویژه‌تر و حتی چشمگیرتر از اجراهایی است که با بازیگران عادی داشته‌اند. بنابراین ضروری است که مرکز هنرهای نمایشی از محمدرضا عربی و دیگر کارگردانانی که در شرایط سخت با معلولان کار می‌کنند، حمایت‌های همه‌جانبه و لازم را انجام بدهند. یعنی هم گروه‌های نمایشی آنها را تحت پوشش قرار بدهند و هم این که کاری کنند تا آنان هم با قرار گرفتن در شرایطی برابر بتوانند اجازه اجرا در تالارها پیدا کنند.

بنابراین باید در کنار حمایت‌های بهزیستی و دیگر نهادهای ذیربط، شهرداری‌ها، ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و حتی مرکز هنرهای نمایشی، به‌دنبال تعریف‌های درست و بسامان از گروه‌های متفاوت معلولان و پذیرنده این بخش از جامعه باشند. همچنین بر حضور اجتماعی و ارائه ظرفیت هنری و نیروی خلاقانه آنان تأکید شود.

سالن‌های تمرین و اجرا باید در اختیار آنان قرار بگیرد و با حمایت از کارگردانان و نویسندگانی که به طور خاص در استقرار گروه‌های نمایشی می‌کوشند؛ باعث تقویت و استمرار چنین جریانی شوند. بها دادن به معلولان، بها دادن هرچه بیشتر به گروه‌های اجتماعی است و به خدمت گرفتن آنان دامنه امید را در سطوح مختلف اجتماعی تقویت خواهد کرد. یک جامعه آرمانی، پاسخگو و متعهد به همه افراد اجتماع است. در پایان ذکر این نکته ضروری است که شاید در این نوشته تأکید فقط بر تئاتر و گروه‌های نمایشی بود اما واقعیت این است که نکات مذکور و بایدهایی که برشمردیم درباره دیگر هنرها، فعالیت‌های اجتماعی و مهارتی در مورد این قشر نیز قابل تکثیر است.

به بهانه پانزدهمین سال درگذشت قیصر امین‌پور

قیصر، عین عبور بود و تشنه نور

یادداشت

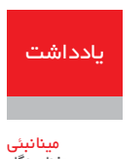

مینا نبئی
روزنامه‌نگار

درباره قیصر امین‌پور، ملقب به «سعدی نو» شاعر متعهد و نام‌آشنای معاصر ایرانی که زبانش ساده بود و از جنس زمان و قلمش سلیس و روان و تار و پود شعرش، خالی از شعار و مواجهه‌اش با پدیده‌ها، بی‌تکلف؛ از طبع‌آزمایی‌های او در قالب‌های مختلف سنتی تا شعر نو نیمایی؛ از نکته‌پرداز بودن و مضمون‌یاب بودن و نازک‌اندیشی‌اش؛ از اینکه تخیل می‌بافت و از رهگذر احساس، جان مخاطب را با ظرافت‌های قابل تأمل پیوند می‌داد و اگرچه شاعری آکادمیک و دانشگاهی بود، چنان محبوب کودکان و نوجوانان شد که حوزه ادبیات کودک و نوجوان هنوز هم قیصر را از آن خود می‌داند؛ همچنین از شعر نوستالژیک و معروف «باز آمد بوی ماه مدرسه» او بسیار گفته‌اند و شنیده‌ایم.

می‌دانیم که این شاعر بی‌قراری، که چشمش به روی هرچه که می‌لغزید، آن را به شعری تازه بدل می‌کرد، پس از دوبار انصراف از رشته‌های دامپزشکی و علوم اجتماعی، در وادی شعر و ادب آرام و قرار یافت و به درجه علمی دکتری رسید و شنیده‌ایم که دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی، ادیب برجسته کشور، درباره ارزش هنری شعرش گفت: «قیصر، همین جایی که هستی، باش که شعر همین است که تو می‌گویی.» این‌بار برآنیم که پس از ۱۵ سال از پرکشیدنش، قیصر را از زبان خود او روایت کنیم.

■ **قیصر را از زبان قیصر بشناسیم**

از زبان شاعری که «دستور زبان عشق» را خوب می‌شناخت و می‌گفت:

ای عشق به شوق تو گذر می‌کنم از خویش/ تو قاف قرار من و من، عین عبورم

بگذار به بالای بلند تو ببالم/ کز تیره نیلوفرم و تشنه نورم

این شاعر فروتن از نامش اینگونه سرود: «و قاف، حرف آخر عشق است/ آنجا که نام کوچک من آغاز می‌شود.» و می‌گفت: «درد، حرف نیست؛ درد نام دیگر من است.» او، درد مردم زمانه را داشت: «مردمی که چین پوستینشان/مردمی که رنگ روی آستینشان/ مردمی که نام‌هایشان/جلد کهنه شناسنامه‌هایشان/درد می‌کند...»

■ **قرآن، جانمایه شعر قیصر**

قیصر، آگاه از رخدادهای نو و کهنه و اندیشه‌های دینی و عرفانی بود و با الگوپذیری از کلام خدا و داستان‌های قرآنی چون بسیاری از شاعران، شعرش را ژرفا بخشید:

الفبای درد از لبم می‌تراود/ نه شبنم، که خون از شبم می‌تراود

سه حرف است مضمون سی پاره دل/ الف، لام، میم از لبم می‌تراود

«ا ل م»، در این شعر هم «الم» به معنای درد است و هم در شمار حروف متقاطع و «سی پاره»، هم اشاره به سی جزء قرآن دارد؛ هم به دل ریش شاعر. شاعر «آیینه‌های ناگهان»، ظاهراً بیشترین تأثیر و الهام‌بخشی را از میان داستان‌های قرآنی، از داستان حضرت یوسف(ع) گرفته است.

«این بوی غربت است که می‌آید یا شاید بوی غریب پیرهنی پاره/ در باد/ نه!/ این بوی زخم گرگ نباید باشد/ من بوی بی‌پناهی را از دور می‌شناسم!»

قیصر بر آن بود «لحظه‌هایی هست که آدم از رنج‌های پنجاه سالگی‌اش پشتش تیر می‌کشد؛ در حالی که هنوز سی سال بیشتر ندارد. لحظاتی هست که پوست هفتاد سالگی‌اش تیر می‌کشد. لحظاتی هست که آدم شادی را با استخوان کودکی‌هایش حس می‌کند. لحظاتی هست که آدم با یک قرن شادی روبه‌رو می‌شود و فقط به اندازه یک لحظه وقت دارد شاد شود. این است که فوری دست می‌برد و بخشِ اعظمی از شادی را می‌گیرد و دیوانه‌وار به سمت آینده پرتاب می‌کند تا بعداً سر فرصت وقت داشته باشد که با خیال راحت شاد شود...»

■ **شاعر حرف‌های ناتمام، زود رفت**

خالق شعر بی‌همتای «ما همه اکبر لیلازادیم!»، می‌گفت: «کار من این بود؛ مدام زندگی خود را به تأخیر انداختم! کودکی را گذاشتم به نوجوانی، نوجوانی را به جوانی و جوانی را به پیری و همه چیز را دیر شروع کردم. مکتبخانه جای بازی را گرفت. نقاشی، جای شعر را و شعر، جای درس را و درس، جای جوانی را و سیاست، جای عشق یا جای من را. همه چیز را به فردا موکول کردم و عجالتاً زندگی کردم. تا اطلاع ثانوی، شاید موسیقی را به گور ببرم. این است که الان تراکم ایجاد شده. کاش می‌شد کمی هم مرگ را به تأخیر انداخت....» اما خودش هم به این نتیجه رسیده بود که: «حرف‌های ما هنوز ناتمام.../ تا نگاه می‌کنی، وقت رفتن است/... ناگهان/چقدر زود/دیر می‌شود!» و خیلی زود همان مبادایی که پیش‌تر از آن سخن گفته بود، فرا رسید و در ۴۸ سالگی عبور کرد از خویش به سمت و سوی معشوق و چقدر این شعرش به خودش می‌آید: «... وقتی تو نیستی/ نه هست‌های ما، چونان که بایدند؛ نه بایدها.../ هر روز بی‌تو، روز مبادا است!»

جنگ، نه آنچنان که می‌گویند

پیشنهاد

ستار دولتشاهی
منتقد

دیشب فرصتی پیش آمد تا فیلم تحسین‌برانگیز (All Quiet on the Western Front) را که در ایران با نام «در جبهه غرب خبری نیست» معروف است، ببینم؛ اثری ضدجنگ و به زبان آلمانی که محصول مشترک دو کشور آلمان و امریکاست و سال ۲۰۲۲ ساخته شده است. ادوارد برگر این فیلم را بر اساس رمان موفق اریش ماریا رمارک (۱۹۲۹) کارگردانی کرده و در آن دانیل برول، آلبرشت شوخ، سباستین هالک، فلیکس کامرر، آرون هیلمر، ادین حسنوویچ و دیوید اشتریسو ایفای نقش کرده‌اند. نکته‌ای که پیش از شروع به معرفی فیلم باید به آن اشاره کنیم، این است که «در جبهه غرب خبری نیست» نماینده کشور آلمان در اسکار ۲۰۲۳ خواهد بود و بسیاری آن را به عنوان یکی از بخت‌های مهم اسکار غیرانگلیسی می‌دانند. از رمان آقای رمارک شروع کنیم: اثری که سال ۱۹۲۸ بلافاصله پس از انتشار، با اقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و خیلی زود لقب مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین رمان ضدجنگ را از آن خود کرد. داستان درباره تجربه یک سرباز جوان آلمانی در جبهه غربی جنگ جهانی اول است. از این رمان آلمانی بارها اقتباس سینمایی شده، اما بیشتر به زبان انگلیسی بوده و این اولین باری است که نسخه آلمانی آن ساخته می‌شود. البته ناگفته نماند نسخه‌ای که سال ۱۹۳۰ لوئیس مایل استون از این رمان ساخت، برنده اسکار بهترین فیلم شد و همین را باید بخشی از شانس امسال این فیلم تازه هم به‌حساب آورد و علاوه بر این، نسخه تلویزیونی آن فیلم هم سال ۱۹۷۹ موفق به کسب ۷ نامزدی جایزه «امی» شد و در نهایت برنده یکی از جایزه‌ها. فیلم، داستان سر راست اما مهیجی دارد. پائول و دوستانش سرکوک، دل‌قوی و مشتاق به جنگ می‌روند اما ماجرا آن‌طور که آنها در خیال نوجوانی‌شان می‌بینند، پیش نمی‌رود و از همان اولین لحظه ورود به خط مقدم جبهه، همه چیز رنگی دیگر می‌گیرد. گروه رفقا زیر بارش‌ها و حمله‌های جنون‌آمیز جنگ، یکی‌یکی به نحوی از انحا از بین می‌روند و سه نفر از آن جمع دوستان می‌ماند. از اواسط فیلم، مذاکراتی برای پایان جنگ بین آلمان و فرانسه شکل می‌گیرد؛ آلمانی که البته دستی نه‌چندان پر زیر فشار فرانسوی‌ها در جنگ دارد و در نهایت تن به پذیرش صلح می‌دهد. صلحی که اگر چه دیر اتفاق می‌افتد و منجر به کشته شدن هزاران تن دیگر می‌شود، اما بازمانده‌ها را امیدوار به بازگشت به خانه نگه می‌دارد تا روزی که قرار است در تاریخ و ساعت و لحظه مقرری صلح قطعی عملیاتی شود. آیا نوجوان‌ها به این لحظه می‌رسند؟ دسته دوستان تا رسیدن این عدد مقرر «یازده» چطور جان خودشان را نجات خواهند داد. ببینید و چشم بدوزید به صحنه‌هایی که کارگردان، طراح صحنه و جلوه‌های ویژه بر قاب تلویزیون رقم می‌زنند. تمام مدت، فیلم مرا یاد اثر ضدجنگ دیگر و تحسین‌شده‌ای از مل گیبسون می‌انداخت به نام «ستیغ صخره‌ای» با همان تم و البته موضوعی متفاوت، با همان جلوه‌های ویژه درخشان و داستان پرکششی که نمی‌گذارد حتی یک دقیقه چشم از داستان و تصویر بردارید. این را هم بد نیست بگویم که آلمان آخرین بار در سال ۲۰۰۷ با فیلم «زندگی دیگران» ساخته فلوریان هنکل دونرسمارک برنده اسکار بهترین فیلم بین‌المللی شده بود و حالا با ارائه این فیلم به اسکار دوست دارد این آرزو را دوباره محقق ببیند.

درجبهه غرب خبری نیست
کارگردان: ادوارد برگر/ تهیه‌کننده: دانیل برول/ محصول: ۲۰۲۲

الزامات سواد رسانه‌ای برای کودکان

یک فنجان حرف

دکتر مصطفی آبروشن
جامعه‌شناس

در دنیای امروزی رسانه همانند یک تیغ دولبه است زیرا در عین حال که تراز فکری و آگاهی انسان‌ها را به مدار بالاتری رشد داده و یکی از عوامل اجتماعی شدن انسان‌ها است اما براحتی می‌تواند شایعه‌ای در لابلای اخبار منتشر گردیده باشد، به‌طوری که امنیت روانی فرد و جامعه به مخاطره جدی بیفتد. ما در طول روز بارها و بارها مخاطب رسانه‌های مختلف قرار می‌گیریم، که بخش زیادی از این اطلاعات، فیک و یا شایعات بی‌اساسی هستند. درواقع گاهی ناخواسته مصرف‌کننده و انتشاردهنده پیام‌های جعلی هستیم که به ماهرانه‌ترین شکل تحریف شده‌اند. انتشار اخبار نادرست به‌طور مشخص، با هدف بی‌اعتبار کردن اشخاص، نهادها و اغلب برای به‌دست آوردن اهداف مالی و یا سیاسی صورت می‌گیرد. رسانه‌ها عموماً وابسته به قدرت هستند و بر اساس اهداف و سیاستگذاری‌هایی که دارند بخشی از واقعیت را برجسته و بخش دیگری را که با منافع‌شان در تضاد باشد پوشش نمی‌دهند. وقتی صحبت از این می‌شود که چگونه می‌شود اخبار درست را از اخبار نادرست تشخیص دهیم پای مهارتی به نام سواد رسانه‌ای باز می‌شود. کسی که فاقد سواد رسانه‌ای است، قدرت تشخیص واقعیت را نداشته و متأثر از شایعات کذب خواهد بود. ناگفته نماند که هر چه محتوای نادرست با تعصبات و پیش‌داوری‌های افراد مطابقت داشته باشد تأثیرگذاری شایعه بیشتر خودش را نشان می‌دهد. گاه مشاهده می‌کنیم که شهروندان تحت تأثیر اخبار دروغ، دچار هیجانات زودگذر شده و تصمیماتی سطحی می‌گیرند. این نوع تصمیمات می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به فرد و یا امنیت روانی جامعه وارد کند به‌طورمثال: کلاهبرداری، جعل هویت، واکنش سیاسی با مفروضات غلط و یا توهم اکثریت از پیامدهای نداشتن سواد رسانه‌ای در جامعه است. سواد رسانه‌ای یک تکنیک عملی و یکی از مهم‌ترین آموزش‌ها در جوامع اطلاعاتی است که به فرد این امکان و توانایی را می‌دهد که تحلیل واقع‌بینانه‌ای از مطالب منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی داشته باشد. اولین گام برای آموزش سواد رسانه‌ای پذیرش این واقعیت است که بخشی از اخباری که از رسانه‌های مختلف خبری منتشر می‌گردد فیک و جعلی است. این یعنی همه پیام‌های رسانه‌ای قابل استناد نیستند یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای داشتن تفکر انتقادی است، این الگوی فکری باعث می‌شود که ما کمتر دچار آزمون و خطا بشویم. درواقع شهروندان به جای اینکه یک مصرف‌کننده منفعل اطلاعات باشند، در جایگاه یک تحلیلگر فعال قرار می‌گیرند. زیرا جامعه توسعه یافته، احتیاج به شهروندان توسعه‌یافته دارد یک شهروند مدرن باید این توانایی را داشته باشد که لایه‌های پنهان یک پیام را بخوبی حدس بزند. وقتی با پیامی مواجه می‌شویم باید از خودمان بپرسیم این خبر در کجا منتشر شده است یعنی منبع اصلی خبر کجاست؟ ما باید آگاه باشیم که اخبار درست، حتماً در خبرگزاری‌ها و سایت‌های معتبر منتشر شده است. گاهی مطلبی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود، باید کنجکاو باشیم که چه کسی این مطلب را بیان کرد؟ جایگاه اجتماعی این شخص چیست؟

در اخبار درست همیشه نام خبرنگار و یا روزنامه‌نگار، به‌عنوان مرجع خبری نوشته می‌شود ولی در خبرهای جعلی و یا تبلیغاتی، منبعی وجود ندارد. گاهی محتوای پیام به‌گونه‌ای است که توصیه‌های شک برانگیزی را مورد تأکید قرار می‌دهد در این شرایط بایستی از خودمان بپرسیم که این پیام منافع چه کسانی را تأمین می‌کند؟ بارها و بارها توصیه‌هایی را در خبرها می‌بینیم که از محصول فلان کارخانه به‌علت عدم رعایت بهداشت و... خرید نکنید در حالی که متولی هشدارهای بهداشتی وزارت بهداشت است لذا در مواجهه با این پیام‌ها بایستی به این نتیجه برسیم که این شیطنت‌ها کار شرکت‌های رقیب است، وقتی توان رقابت سالم را ندارند از طریق بی‌اعتبار کردن رقیب، مشتریان را به سمت خرید محصولات خودشان سوق می‌دهند. نکته بعدی که باید کمی دقت کنیم اینکه آیا گوینده خبر ادعای گفتن واقعیت را دارد یا نظرات شخصی‌اش را بیان می‌کند؟ وقتی ارائه نظرات شخصی مورد نظر است تکلیف مخاطب مشخص است سواد رسانه‌ای به ما می‌آموزد که اگر با خبر پرسش برانگیزی که صحت و سقم آن برای ما مبهم است روبه‌رو شده‌ایم لااقل آن مطلب را منتشر نکنیم. سواد رسانه‌ای به ما کمک می‌کند که بخش بزرگی از اطلاعات دریافتی را فیلتر کنیم زیرا همه اطلاعات و اخباری که از طریق رسانه‌ها به فکر و ذهن ما بمباران می‌شود الزاماً برای ما مناسب نیستند زیرا ما را دچار آشفتگی و مسمومیت فکری می‌کند. لذا نیاز است در برابر چنین فضایی، یک رژیم مصرف رسانه‌ای اتخاذ کنیم زیرا ذهن ما در واحد زمان توانایی تحلیل تعداد محدودی از اطلاعات را دارد در غیر اینصورت قدرت تشخیص اخبار درست از نادرست را از دست خواهیم داد. نظام اجتماعی بایستی خطر مسلح نبودن شهروندان به سواد رسانه‌ای را بخوبی درک کند درواقع بایستی مفاهیم سواد رسانه‌ای ابتدا از مدرسه و خانواده شروع شده و به‌طور همزمان در سطوح مختلف جامعه گسترش پیدا کند. به همان اندازه که استفاده کودکان از رسانه‌ها را محدود می‌کنیم، آموزش سواد رسانه‌ای به آنها نیز ضروری و الزام‌آور به‌نظر می‌رسد زیرا آنها را به مخاطبانی نکته‌سنج تبدیل می‌کند. کودکان بایستی بیاموزند که موقع دریافت هر پیامی، اول مکث کنند و به محتوای خبری کمی فکر کنند. آموزش سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا کودکان بتوانند مرز بین واقعیت و دروغ را تشخیص بدهند آنها با دیدگاه‌های مختلف آشنا می‌شوند و یاد می‌گیرند که همه اخبار نمی‌تواند درست باشد. آنها می‌آموزند در مواجهه با نظرات مخالف باید به دیگران احترام بگذارند حتی اگر با آنها موافق نباشند.

عکس نوشت

شورای پروانه نمایش در جدیدترین خروجی خود، پروانه نمایش فیلم «سینما شهر قصه» را صادر کرد. کیوان علیمحمدی، این فیلم را در سال ۹۷ جلوی دوربین برد. فیلم، در بخش رقابتی جشنواره سی‌وهشتم نمایش داده شد و با استقبال قابل‌توجه منتقدان و اهالی رسانه مواجه شد. حامد کمیلی، آناهیتا درگاهی، بابک کریمی، فرخ نعمتی، سیاوش مفیدی، رویا میرعلمی، فریبا جدی‌کار، هدیه تهرانی، جمشید مشایخی، حمیدرضا پگاه و علی اوجی، بازیگران این فیلم هستند.